

الهیات اسلامی در قلمرو علم

برونوگیدردنی (Bruno Guiderdoni) یک اختر فیزیکدان درموسسه اختر فیزیک پاریس است...



برونوگیدردنی (Bruno Guiderdoni) یک اختر فیزیکدان درموسسه اختر فیزیک پاریس است.

حوزه اصلی پژوهشی وی، تشکیل و تحول کهکشان است. او بیش از 50 مقاله علمی منتشر کرده و همایش‌های بین‌المللی بسیاری را در باب این موضوعات ترتیب داده است. او یک پژوهشگر علوم اسلامی و مسائل جهان اسلام در فرانسه نیز هست و در تلویزیون فرانسه برنامه‌ای با عنوان «171؛ اسلام را بشناسیم»؛ تولید کرده و بیش از 50 مقاله علمی در باب الهیات اسلامی و عارفان مسلمان منتشر کرده است. این دانشمند برجسته، پس از آشنایی با اسلام و مطالعه درباره آن، مسلمان شده است.

ممکن است درباره سیروسلوك روحی‌ای که شما را به گفت‌وگو با اسلام رسانید صحبت کنید؟ عقاید مذهبی قبلی شما چه بود و سرانجام چطور شد که به دین اسلام گرویدید و ملتزم شدید؟

پدرمواد من مسیحی هستند ولی من دین خاصی نداشتم. وقتی در علم تحصیل و مطالعه کردم، دریافتم که در رهیافت علمی به جهان، چیزی غایب است. دیگر انواع دانش را جست‌وجو کردم و دریافتم که جست‌وجو و طلب من یک طلب دینی است. من پس از سپری کردن راهی طولانی و مطالعات و تفکر در باب ماهیت معرفت و معنای زندگی انسانی و 2 سال اقامت در مراکش، 10 سال پیش مسلمان شدم. عرفان اسلامی که تصوف خوانده می‌شود، به طریقی همدلانه، بر تحقق معرفت در درون چارچوب توحیدی تأکید می‌کند و این با مفاهیم الهیاتی که برای ما بسیار آشناست صورت می‌پذیرد. تصویر انسان، جهان و آفرینش در اسلام، یهودیت و مسیحیت شبیه است. این، در مورد من، خیلی مهم بوده زیرا فکر می‌کنم که جست‌وجوی علمی و طلب دینی من، هر دو، طلب واحدی برای کسب معرفت بوده است.

وقتی شما در علم تحصیل و به عنوان یک اختر فیزیکدان فعالیت کردید، دریافتید که چیزی کم است؛ چیزی که صرفاً تحقیقات علمی نمی‌تواند آن را فراهم سازد. ممکن است کمی درباره آنچه نتوانستید در دنبال کردن معرفت علمی به دست آورید صحبت کنید؟ فکر می‌کنم که علم جدید در پاسخ به این سوال که اشیاء چگونه پدید آمده‌اند خیلی موفق است. اما علم جدید قادر نیست این پرسش را که «171؛ چرا اشیاء چنان‌که هستند وجود دارند؟» را پاسخ دهد. من فکر می‌کنم که علم بر هدف اصلی‌اش، یعنی تبیین جهان، تمرکز می‌کند و چیز زیادی برای سخن گفتن در سطح فلسفه ندارد. این مطلب احتمالاً دلیل آن است که چرا لازم است در جای دیگری به دنبال پاسخ‌های «171؛ چرا»؛ بگردیم.

پاسخ‌هایی که به سوالاتمان می‌دهیم موجب طرح سوالات دیگر می‌شوند. علم مانند داستانی بی‌پایان، بسیار شگفت‌انگیز است اما متأسفانه موجودات انسانی محدود به زمان هستند و ما پاسخ‌های معینی برای سوالاتمان می‌خواهیم. به همین دلیل بود که من از فعالیت علمی‌ام کاملاً خشنود نبودم. می‌بایست در طلب طرق دیگر کسب معرفت برآیم، به ویژه راهی که دین نشان می‌دهد.

اکنون کارتان را در اختر فیزیک و اسلام چگونه می‌بینید؛ مکمل، جدا یا حوزه‌هایی کاملاً متفاوت؟

من فکر می‌کنم آنها مکمل‌اند. اسلام قویاً بر اهمیت دانش در زندگی به طور کلی و در زندگی دینی به طور خاص تأکید می‌کند. در اسلام، طلب و جست‌وجوی دانش، بخشی از ایمان است. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «171؛ اطلب العلم من المهد الی اللحد / از گهواره تا گور دانش بجوی»؛ ریشه گناه در غفلت و گمراهی است. بنابراین، طلب و جست‌وجوی دانش یک فریضه و واجب است؛ همه انواع دانش؛ دانش این جهان و دانش اخروی. در اسلام، هیچ موردی چون مسئله محاکمه گالیله و هیچ ستیزه و بحرانی بین علم و دین وجود نداشته است. اسلام به همه انواع دانش باز و گشوده است. من به عنوان یک مسلمان، در فعالیت علمی‌ام خیلی احساس سازگاری می‌کنم زیرا می‌توانم کار پژوهشی‌ام را به عنوان جست‌وجوی معرفت درباره این جهان، به عنوان کشف غنی و زیبایی خلقت خداوند تفسیر کنم.

گویی اقتضایی هست که جامع کار شما به عنوان یک دانشمند با مسلمانی شماست؟

بله. اسلام بر وحدت خداوند تأکید دارد. چون خدا یکی است، انسانیت نیز باید یکی باشد، بنابراین هرگونه جدایی بین فعالیت حرفه‌ای و طلب و جست‌وجوی دینی، خوب نیست.

باور اساسی اسلام این است که الله نه تنها خالق بلکه حاکم مطلق و مدبر عالم نیز هست. آیا فکر می‌کنید که این فهم از الله در سنت اسلامی بتواند از طریق علم جدید رشد کند یا بی‌اثر شود یا چالشی در خصوص باور و فعالیت الله، توسط دانش فزاینده ما از جهان فیزیکی بروز کند؟

این سوالی پرمایه است و پاسخ‌های متعددی در دوره‌ای از تاریخ که ما می‌خواهیم به آن تمرکز کنیم بدان داده شده است. اکنون بحث‌های خیلی زیادی میان علم و الهیات اسلامی در جریان نیست چرا که الهیات اسلامی در حال حاضر در میان مسلمانان یک گفتمان رایج نیست. ما دوره دشواری را در جهان اسلام سپری می‌کنیم.

اکنون اساساً 2 گرایش عمده در اندیشه اسلامی وجود دارد: یکی را می‌توان گرایش عقل‌گرایانه محض خواند که نتایج علم جدید را بدون نقادی می‌پذیرد. این یک پذیرش فراگیر در باب نتایج فکر و فناوری مدرن است بدون آنکه درصد این باشد که ببیند آیا این نتایج و دستاوردها با اندیشه اسلامی یا الهیات اسلامی سازگار است یا اینکه آیا مسائلی هم در این خصوص وجود دارد؟ گرایش دیگر، دیدگاهی است که بنیادگرایانه خوانده می‌شود و براساس آن، هرچه که از تمدن غربی می‌آید بد و مذموم است بدین دلیل ساده که غربی است.

بنیادگرایان می‌خواهند یک علم طبیعی اسلامی فرا آورند که موازی با علم طبیعی جدید که اینجا فقط به عنوان علم غربی یا علم مسیحی در نظر گرفته می‌شود، باشد. این یک مغالطه محض است. به علاوه، این کاملاً با سنت عقلانی عظیم و معنوی اسلام تعارض دارد. متأسفانه این بحث اکنون در جهان اسلام بسیار کم مایه است زیرا بالاخره باید یک راه سوم میان 2 شیوه بسیار دور و جدا وجود داشته باشد تا مسائل را به شایستگی ببیند.

آیا این راه و حیطه سوم که معتقدید بیشترین اهمیت را دارد، فقط در صورتی امکان‌پذیر است که الهیات اسلامی حضور بارز داشته باشد؟

درست است. متأسفانه بیشتر متفکران مسلمان اکنون به موضوعات اجتماعی بیشتر از موضوعات اساسی علاقه‌مندند زیرا کشورهای اسلامی باید با بسیاری از مسائل اقتصادی و اجتماعی روبرو شوند. گرایش کلی اندیشه الهیات اسلامی، بیان موضوعات اساسی است. ما نمی‌توانیم به تأمل و چاره‌جویی در باب مسائل اجتماعی و مسائل اقتصادی بپردازیم اگر نخست هیچ تأمل و تفکری در باب موضوعات اساسی نداشته باشیم. این یک ضعف بزرگ اندیشه اسلامی جدید است و دلیل آن این است که چرا نتایج این تأمل بر مسائل اجتماعی و اقتصادی همواره ناکافی و بی‌استفاده است. فلسفه اسلامی تقریباً در پایان قرون وسطی ناپدید شد به جز در زمینه عرفان؛ حیطه‌ای که تأمل همواره حاضر اما تا حدودی پوشیده بوده است. متأسفانه امروز تأمل زیادی در باب این مسائل وجود ندارد. خیلی آسان نیست که کتابی خوب یا شخصی را بیابید که خوب درباره سوالی که پرسیده‌اید به تفکر بپردازد.

آیا شما کار خودتان را چنان می‌فهمید که کوششی باشد برای یاری رساندن به تحریک الهیات اسلامی تا بدین سوال فکر کند و آن را به بحث بگذارد؟

من فکر می‌کنم که اینجا، در اروپا، ما بیشتر مهبای بحث درباره اینگونه پرسش‌ها هستیم، زیرا شاید زمینه‌های عقلی آن را داریم. شاید ما بیشتر آماده باشیم که به این موضوع فکر کنیم زیرا با مشکلات و مسائل اقتصادی و سیاسی‌ای که کشورهای مسلمان روبه‌رو هستند مواجه نیستیم. ما فرصت داریم به این بحث‌ها بپردازیم. من همواره به مساجد می‌روم و در باب این مسائل سخنرانی می‌کنم و جوانان مسلمان بسیاری را می‌بینم که اینجا در اروپا بزرگ شده‌اند و آموزش‌ها و فرهنگ غربی را دریافت کرده‌اند. آنان در انتظار اینگونه تأمل و فکرورزی هستند.

اگر ما با این هشدار آغاز کنیم که تفکر اسلامی در این زمینه مراحل آغازین را می‌گذراند و پاسخ باید از دیدگاه یک مسلمان، بسیار متفکرانه باشد. تفکر خود شما درباره رابطه عملکرد الله در جهان و توصیف فیزیکی واقعیت چیست؟

همه چیز آکنده از قاعده‌مندی‌ها و نظم است، زیرا خداوند خودش زیباست و زیبایی‌ای که ما در کیهان می‌بینیم تصویری از زیبایی خداوند است. این نخستین نکته است. دومین نکته این است که جای تعجب نیست که این قاعده‌مندی‌ها اساساً عقلی است. آنها را یک عقل شکل داده که عقل ما را نیز خلق کرده است و بنابراین جای تعجب نیست که می‌توانیم کیهان را کشف کنیم زیرا کیهان برای ما سرزمینی بیگانه نیست. آن با ما متفاوت نیست. کیهان و خود ما را عقل واحد خلق کرده است.

فیلیپ کلیتون

همشهری آنلاین- ترجمه کامران قره‌گزلی